



رونمایی ترجمه فارسی کتاب اقدام شرم آور تانر آکچام



کتاب:  
آروسیاک  
بازمانده خوی

مناسبات ایران و ارمنستان  
در پی افزایش تحریمها  
علیه ایران

هراچیا  
گالستانیان



دوهفته نامه  
اجتماعی فرهنگی

# هووس

شماره ۷۸، ۲۳ تیر ۱۳۸۹

سال چهارم



## يك سال پس از سانحه پرواز تهران - ايروان

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: لئون  
آهارونیان

دبیر تحریریه: روبرت صافاریان

شورای نویسندگان:

کارمن آذریان، لیا خاچکیان  
آندرانیک خچومیان،  
گارون سرکیسیان،  
آندرانیک سیمونیان

مدیر هنری: لیا خاچکیان

ویراستار بخش فارسی: نسیم نجفی

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین  
ولی عصر و فلسطین، شماره ۱۰۴۸

تلفن: ۶۶۴۹۵۱۸۰

۶۶۴۹۲۶۹۳

تله-فاکس: ۶۶۴۹۵۲۰۸

وب سایت: [www.hoos.com](http://www.hoos.com)

وب سایت فارسی:

<http://farsi.hoos.com>

پست الکترونیکی:

[hoos@inbox.com](mailto:hoos@inbox.com)

## در این شماره

- |   |    |
|---|----|
| گوشه‌هایی از آنچه در صفحات ارمنی این شماره می‌خوانید                              | ۲  |
| سخنرانی تانر آکچام در کلوب ارمنه به مناسبت رونمایی ترجمه فارسی کتاب اقدام شرم آور | ۴  |
| جلسه پرسش و پاسخ بعد از سخنرانی   | ۶  |
| دیدگاه‌های رئیس مرکز پژوهشی میتک درباره تحولات قفقاز و نقش ارمنستان               | ۸  |
| تلخیص و ترجمه: تورج خسروی   |    |
| هنر معاصر ارمنستان: هراچیا گالستانیان   | ۹  |
| کتاب: آروسیاک، بازمانده خوی   | ۱۱ |

## بخش ارمنی

- |  |   |
|--|---|
| اخبار جامعه ارمنه                                    | ۲ |
| هیلازی کلینتون در بنای یادبود قربانیان نسل‌کشی ارمنه | ۵ |
| هیلازی کلینتون در باکو                               | ۶ |

## يك سال پس از سانحه پرواز تهران - ايروان

- |  |    |
|--|----|
| سالگرد فاجعه سقوط هواپیمای توپولف شرکت کاسپین در مسیر تهران-ایروان | ۸  |
| روبرت صافاریان   |    |
| ممنوعیت پرواز توپولف   | ۱۱ |

- |   |    |
|---|----|
| شعرهای عاشقانه آزاد ماتیان              | ۱۳ |
| داستان: زار تیر لائو ...                | ۱۵ |
| کولیا در هوانسیان                       |    |
| خصوصیات يك مدیر خوب                     | ۱۸ |
| خواص درمانی زردآلو                      | ۱۹ |
| نقشه زبان‌های ایران                     | ۲۰ |
| ناهار با گوشت و سیب زمینی               | ۲۲ |
| جشن موسیقی در ایروان                    | ۲۳ |
| لیلیلت امیر خانیان                      |    |
| مصاحبه با آنی سربراکیان، اسکی‌باز ارمنی | ۲۶ |
| سرگرمی                                  | ۲۷ |

## گوشه‌هایی از آنچه در صفحات ارمنی این شماره و شماره‌های پیشین هویس آمده است



### سالگرد فاجعه سقوط هواپیمای توپولف تهران-ایروان

یک سال گذشته، ۲۴ تیر ماه سال گذشته، در یک روز گرم تابستانی، هواپیمای توپولف شرکت هواپیمایی کاسپین که از تهران عازم ایروان بود، دقایقی مانده به ظهر، در نزدیکی قزوین، وسط زمین و آسمان منفجر شد و از ۱۶۸ سرنشین آن جز مشتی خاک چیزی به جا نماند. از جان‌باختگان این حادثه ۵۶ تن از ارامنه ایران بودند. این تعداد برای جامعه کوچک ما آن قدر بزرگ بود که فاجعه را به بزرگ‌ترین ضایعه تاریخ معاصر جامعه ارامنه ایران بدل کند. کسی نبود که یکی از بستگان یا دوستان دور یا نزدیک خود را از دست نداده باشد. برخورد مقامات رسمی کشور برخلاف همیشه چندان کمکی به مرهم نهادن بر این زخم نکرد. شرکت کاسپین رسماً به بازماندگان قربانیان تسلیت نگفت و دولت روز عزای عمومی اعلام نکرد. این در حالی بود که دولت ارمنستان که تنها شش تن از اتباع آن در میان قربانیان بودند یک روز عزای عمومی اعلام کرد. علت سقوط هواپیما تا امروز به صورت قطعی اعلام نشده است و پرداخت دیه به بازماندگان مشروط به اعلام انصراف کتبی آنها از حق شکایت به هر مرجع داخلی و خارجی شده است.

روز ۳۱ تیر، گروهی از خانواده‌های قربانیان سانحه جلوی دفتر شرکت کاسپین تجمع کردند و خواهان

ممنوعیت فعالیت این شرکت تا روشن شدن دلایل سقوط هواپیما شدند. یکی از خواست‌های آنها ساده و در عین حال حیاتی بود: اعلام حقایق تاخیر پرواز و آمار پروازهای هواپیمای سقوط کرده و مشکلات فنی روزهای گذشته و اعلام نتایج کنترل کیفیت هواپیما. البته جوابی به آنها داده نشد.

بحث اعلام دلایل سقوط توپولف عازم ایروان و معرفی مسئولان احتمالی این حادثه مرگبار، هنوز ادامه دارد. در ضمن این حادثه تنها حادثه هوایی سال گذشته نبود، سوانح دیگر با تلفات جانی کمتر یکی بعد از دیگری فرا رسیدند. در زمان معرفی وزیران دولت جدید در مجلس، اعلام نام حمید بهبهانی به عنوان وزیر راه و ترابری اعتراضاتی برانگیخت. چند ماه بعد وزیر به مجلس فرا خوانده شد تا به پرسش گئورگ وارتان، نماینده ارامنه شمال در مجلس شورای اسلامی و سایر نمایندگان جواب بدهد. توضیحات او سرانجام نمایندگان را اکتان نکرد.

این روزها صحبت ممنوعیت استفاده از هواپیماهای توپولف توسط شرکت‌های هواپیمایی ایرانی از اول مرداد ماه است. این تصمیم از یک سو نشان دهنده توجه مسئولین به خواست‌های مردم است، اما از سوی دیگر همچنان پاسخی به این پرسش نمی‌دهد که سوء مدیریت شرکت‌های ایرانی تا چه اندازه در رخداد این فاجعه نقش داشته است. آیا اشکال از توپولف بودن هواپیما بوده یا ناکارآمدی مدیریت شرکت کاسپین و عدم رعایت استانداردها و بیش از اندازه کار کشیدن از هواپیماها؟

### درگذشت کارو لوکس، دانشمند ایرانی - ارمنی

پروفسور کارو لوکس پدر روباتیکس ایران، در سن ۵۹ سالگی، درگذشت. کارو که در یک سال گذشته با بیماری سرطان روده دست و پنجه نرم کرده و بر آن پیروز شده بود، در یک آزمایش پزشکی روده‌اش صدمه می‌بیند و به علت عفونت شدید روز ۱۷ تیر در بیمارستان با زندگی وداع می‌کند. کارو چند سال پیش به عنوان یکی از چهره‌های ماندگار کشور در رشته علوم انتخاب شد. او در مصاحبه‌های خود و کارهایش این گونه معرفی کرده است:

متولد سال ۱۳۲۸ هستم. تحصیلات دبستان، دبیرستان، دانشگاه تا فوق لیسانس مهندسی را در ایران گذراندم. در سال ۱۳۵۲ فوق لیسانس مهندسی - که در آن زمان پیوسته بود - را از دانشگاه تهران و همین دانشکده فنی گروه مهندسی برق گرفتم. دکترا را در سال ۱۳۵۵ از دانشگاه برکلی کالیفرنیا گرفتم و از آن زمان به بعد در دانشگاه تهران مشغول تدریس و تحقیق بوده‌ام. علاوه بر دانشگاه تهران در دانشگاه‌هایی مانند برکلی، یوتا و بعضی دانشگاه‌های دیگر هم به مدتهای کوتاه تدریس کرده‌ام.

زمینه تحقیقاتی من در سالهای اخیر بر روی سیستم‌های هوشمند الهام گرفته از طبیعت و الهام گرفته از سیستم‌های زیستی در درجه اول و گاهی، در تحقیقات جدیدتر، الهام گرفته از سیستم‌های



اجتماعی، سیستم‌های شناختی و سیستم‌های رفتاری بوده است. و طبعاً در پردازش الگو، پردازش تصویر و بینایی ماشین هم علاقه بنده به همین موضوع است. البته سیستم‌های هوشمندی که بنده به آن علاقمندم با رویکرد سنتی هوش مصنوعی تفاوت دارد. یکی از مهمترین جنبه‌های تفاوت این است که من هوش مصنوعی متجسم و پیاده‌سازی شده و در موقعیت قرار گرفته را مورد توجه قرار داده‌ام.

کارو در نخستین سال‌های بعد از پیروزی انقلاب به فعالیت‌های اجتماعی در جامعه ارامنه ایران

# روابط ایران و ارمنستان در پی تحریم‌های اقتصادی جدید علیه ایران

ناپیراها پرومیان

دوست قدیمی هستند. ما برای همکاری آماده هستیم." رئیس جمهور سرکیسیان نیز به نوبه خود به اهمیت مکانیزم‌های همکاری اقتصادی برای غلبه بر تغییرات سیاسی اشاره کرد.

وزیر حمل و نقل و ارتباطات ارمنستان، مانوک واردانیان، در ۲۸ ژوئن در رسانه‌ها گفت انتظار می‌رود در بهار ۲۰۱۱ ساخت يك بزرگراه شمالی-جنوبی به عنوان يك مسیر مهم برای حمل و نقل آغاز شود. ارمنستان قصد دارد در دسامبر ۲۰۱۰ به عنوان دومین مرحله برنامه، يك قرارداد وام ۹۰ میلیون دلاری با بانک توسعه اقتصادی امضاء کند. سفیر ایران در ارمنستان از رشد ۴۰ درصدی معامله کالاهای مصرفی بین ایران و ارمنستان در يك چهارم ابتدایی سال جاری صحبت کرد، و در ۱۸ ژوئن ایروان میزبان دومین مجمع بازرگانی ایران-ارمنستان بود که در آن در مورد امکانات سرمایه‌گذاری در ارمنستان نیز بحث شد.

با وجود این که ایران همسایه دیواربه‌دیوار ارمنستان است معاملات تجاری بین این دو کشور در سال ۲۰۰۹ نسبت به سال ۲۰۰۸ به میزان ۳۲/۷ درصد برابر با ۱۵۳/۴ میلیون دلار کاهش داشته است. ارمنستان در سال ۲۰۰۹ کالاهایی با ارزش ۱۹ میلیون دلار به ایران صادر کرده در حالی که واردات آن با ارزش کلی ۱۳۴/۴ میلیون دلار بوده است. در سال ۲۰۰۹ صادرات ارمنستان به ایران ۲۴ درصد کاهش داشت. موضوع ساخت خط آهن ارمنستان-ایران معلق باقی ماند، و از خط لوله گاز آماده ایران-ارمنستان بهره‌برداری نمی‌شود.

تیرگران خزمالیان، دیگر عضو جنبش سادارآباد معتقد است که روابط کنونی ایران-ارمنستان رشته بلندی از فرصت‌های از دست رفته است. او مدعی است که این مساله مربوط به فشارهای خارجی وارد بر ارمنستان است.

تأثیر عامل سیاسی بر روابط اقتصادی با ایران بسیار مهم است. برخی کارشناسان معتقدند ارمنستان در صورت افزایش همکاری با ایران باید مراقب باشد تا مبادا خود مورد تحریم اقتصادی قرار گیرد.

منبع: سایت [www.armenianow.com](http://www.armenianow.com)

با وجود افزایش تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی علیه ایران، ارمنستان با اظهار این نکته که بدون ایران ثبات منطقه‌ای نمی‌تواند وجود داشته باشد، به تقویت همکاری با تهران ادامه می‌دهد.

پس از اتخاذ تحریم‌های اقتصادی سخت‌تر علیه ایران توسط شورای امنیت ملل متحد در ۹ ژوئن، مجلس امریکا طرح تحریم‌های امریکا را پذیرفت و اتحادیه اروپا هنوز در حال بحث بر سر این موضوع است.

سرژ سرکیسیان، رئیس‌جمهور ارمنستان، هنگام دیدارش از آلمان در آغاز ماه ژوئن گفت: "من متوجه هستم که در مورد تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، عده‌ای ممکن است واکنشی ناشی از شک و ناپاوری نسبت به دیدگاه من داشته باشند، اما مطمئنم در چاره‌سازی مسائل منطقه‌ای نباید و نمی‌توان ایران را ندیده گرفت."

سید علی سقاییان سفیر جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به ارمنستان در مورد تاثیرهای احتمالی تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت بر روابط ایران و ارمنستان گفت: "اجباری برای پذیرفتن وجود ندارد. هر کشوری آزاد است برای چگونگی واکنش خود تصمیم بگیرد، خواه پذیرش شیوه تحریم باشد یا نه."

هایک بالانیان، عضو جنبش سادارآباد (حرکتی که تازه آغاز شده و در جهت تاسیس يك مجلس بدیل در ارمنستان فعالیت می‌کند) گفت که جبهه ارمنیان نباید به بلوک ضد ایران رضایت دهد یا به راهکار تحریم ایران بپیوندد، اما دست‌کم باید نقش واسطه را برای یافتن راه‌حلی برای مشکل ایران بازی کند. به طوری که بالانیان می‌گوید ارمنستان تمام دلایل را برای ملحق نشدن به جریان تحریم‌ها دارد، چون گذشته از جامعه بین‌المللی، ارمنستان مجبور است و راه دیگری جز همکاری با ایران ندارد.

بالانیان اشاره کرد که در حال حاضر منافع ایران و ارمنستان مشترك است. سفیر ایران در ارمنستان گفت که تهران قاطعانه مخالف گسترش حضور صلح‌طلبان امریکایی در قزاق و گسترش قوای ارتش ترکیه در نخجوان است. این به آن معناست که هر تغییری در وضع موجود منطقه، نه مطلوب ایروان است و نه تهران.

پیش از این، وزیر امور خارجه ایران، منوچهر متکی، گفت: "مردم ایران و ارمنستان دو ملت

پرداخت و در گروه علمی انجمن فارغ‌التحصیلان ارمنی دانشگاه‌های ایران فعالیت می‌کرد. او با محافل علمی ارمنستان نیز در تماس بود و برای همکاری دانشگاه‌های ایران و ارمنستان تلاش می‌کرد.

درگذشت نابهنگام او را به جامعه علمی ایران، همسرش امیلیا نرسیسیان، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، فرزندش آرمان و همه دوستانش تسلیت می‌گوییم. یاد و خاطره‌اش زنده و گرامی باد.

## هیلاری کلینتون در ارمنستان و آذربایجان

هیلاری کلینتون در چارچوب سفر چند روزه‌اش به جمهوری‌های شوروی و بلوک شرق سابق، سری هم به آذربایجان و ارمنستان زد. خانم کلینتون مهم‌ترین مقام آمریکایی است که تا کنون از ارمنستان دیدار کرده است. او پیش از دیدارش با سرژ سرکیسیان رئیس‌جمهور ارمنستان در باکو با الهام علی‌یف دیدار کرده بود. در همه دیدارها کلینتون طرفین مناقشه قره‌باغ را به مذاکره تشویق و از دست زدن به راه‌های نظامی بر حذر داشت. او همچنین بر به رسمیت شناختن تمامیت ارضی کشورها تأکید نمود، امری که احزاب سیاسی ارمنستان را چندان خوش نیامد.

هیلاری کلینتون از بنای یادبود شهدای نسل‌کشی ارمنه بازدید کرد و در آنجا عکس گرفت. در این بازدید تنها مدیر موزه و سفیر آمریکا در ارمنستان او را همراهی می‌کردند و از مقامات رسمی ارمنستان خبری نبود. روز بعد آمریکایی‌ها اعلام کردند که این بازدید رسمی نبوده است.

گفت‌وگوی وزیر امور خارجه ایالات متحده با طرفین درگیری قره‌باغ از يك نظر دیگر هم مهم است. افزایش نقش میانجی‌گری آمریکا در قره‌باغ می‌تواند به استقرار نیروهای آمریکایی به عنوان جزئی از نیروهای حافظ صلح بین‌المللی در قره‌باغ منتهی شود که برای ایران قابل قبول نیست.

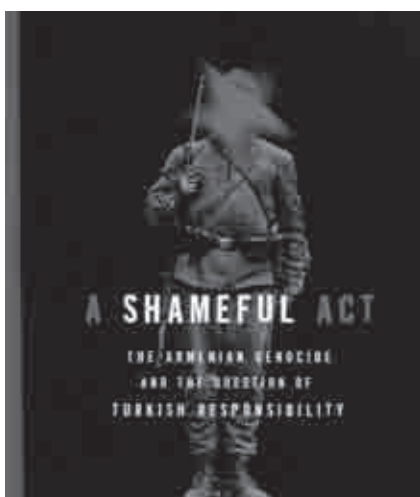


شورای خلیفه‌گری تهران، به ایران آمد. روز ۲ که رونقی چندانی نداشت و جای نمایندگان مطبوعات مهم کشور در آن خالی بود. مناسبت حضور آکچام در تهران رونمایی ترجمه فارسی کتاب اقدام شرم‌آور او بود، که مراسم عصر همان روز در باشگاه ارامنه تهران برگزار شد.

موضوع نسل‌کشی ارامنه در سال‌های جنگ جهانی نخست تنها بخشی از تاریخ نیست و به سیاست امروز گره خورده است. گروه‌های سیاسی و لابی ارامنه در ایالات متحده و کشورهای دیگر سخت در تلاشند که پارلمان‌های دنیا قتل عام ارامنه را به رسمیت بشناسند. فارغ از اینکه این استراتژی در درازمدت به سود ارامنه و جمهوری ارمنستان هست یا خیر، موضوع ابعاد سیاسی گسترده‌ای پیدا کرده است، مسئله پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا به آن مشروط شده و طرح آن در کنگره ایالات متحده روابط آمریکا و ترکیه را تیره کرده است.

نگاه تانر آکچام به این فاجعه از این نظر شایسته توجه است که در عین حال که بر مسئولیت تاریخی ترکیه تکیه می‌کند و از دولت این کشور می‌خواهد که اذعان کند جنایتی اتفاق افتاده و رسماً از ارامنه عذرخواهی کند، اما بر گفت‌وگوی بین دو کشور، دوستی و "بی‌معنا ساختن مرزها" تکیه می‌کند. متن کامل سخنرانی ۲ تیر آکچام و جلسه پرسش و پاسخ بعد از سخنرانی را در زیر می‌خوانید:

## سخنرانی تانر آکچام در کلوب ارامنه به مناسبت انتشار ترجمه فارسی کتابش اقدام شرم‌آور مسئولیت اخلاقی نسل جدید ترکیه



دوستان عزیز، خوش آمدید (آکچام جمله خوشامدگویی‌اش را به زبان ارمنی ادا می‌کند و حاضران در مجلس با کف زدن از او استقبال می‌کنند).

نخست اجازه دهید موضوعی را که در طول تالیف این کتاب دغدغه من بوده است با شما در میان بگذارم. این موضوع به مسئولیت‌پذیری مربوط می‌شود. خاطره ملی بسیار گزینشی است. بلغارستان، صربستان، یونان، عراق، سوریه و در واقع همه کشورهایی که در حیطه امپراتوری عثمانی جای گرفته بودند، تاریخ خود را سراسر همچون رشته‌ای از تبعیدها و قتل‌عام‌هایی می‌بینند که توسط دیگران بر آن‌ها اعمال شده است. اما ترکیه تاریخ خود را همچون قتل‌عام مسلمان‌ها توسط بلغارها، ارامنه یونانی‌ها و دیگر گروه‌های قومی به یاد می‌آورد.

برابر يك قاعده کلی، همه جوامع، از گذشته خود بخش‌هایی را به یاد می‌آورند که طی آن توسط دیگران مورد ستم قرار گرفته‌اند نه بخش‌هایی را که طی آن خود به دیگران ستم روا داشته‌اند. ترکیه هم گذشته خود را در قالب حوادثی که در آن ترک‌ها توسط یونانی‌ها و ارامنه و... کشته شدند به یاد می‌آورد. همه جوامع، اعم از قومی، دینی یا فرهنگی، درد و رنجی را به یاد می‌آورند که تحمل کرده‌اند، نه درد و رنجی را که بر دیگران

جلوگیری از تکرار رویدادهای مشابه، مردم باید با مسئولیت خود در قبال این رویدادها آشنا شوند، درباره آن بحث کنند و آن را به رسمیت بشناسند. بدون به رسمیت شناختن صادقانه رویدادهای مشابه، به احتمال زیاد، با پیدایش شرایط مناسب، تمام این پتانسیل مخرب دوباره به فعل در می‌آید. این اصل استثنا بردار نیست، و این آن اصلی است که من در تمام مدت نگارش این کتاب به آن فکر می‌کردم.

کتاب اقدام شرم‌آور تاریخ کوتاه نسل‌کشی ارامنه است. من در این کتاب گام‌به‌گام توصیف

تحمیل کرده‌اند. ترکیه هم رنجی را که بر دیگران تحمیل کرده است، از جمله نسل‌کشی ارامنه، به یاد نمی‌آورد. هدف من از نگارش کتاب اقدام شرم‌آور شکستن این سنت بود و دعوت از مردم ترکیه برای آشنا شدن با ظلمی که به نام آن‌ها بر دیگران رفته است. دلیل این دعوت تنها گستردگی نسل‌کشی ارامنه نیست، که به هیچ عنوان قابل مقایسه با عملیات انتقام‌جویانه پراکنده‌ای نیست که این‌جا و آن‌جا علیه مسلمانان اتفاق می‌افتاد. از تمام این ظلم‌هایی که در طول تاریخ اتفاق افتاده است، يك اصل کلی و مهم را می‌توان نتیجه گرفت: برای

کرده‌ام که نسل‌کشی چگونه اتفاق افتاد. همین‌طور خواننده را با دادگاه‌های نظامی سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۱ استانبول آشنا کرده‌ام. بعد از جنگ و فروپاشی امپراتوری عثمانی، سه کوشش عمده برای دادگاهی کردن مسببین این جنایت صورت گرفت. نخست متفقین کوشیدند در کنار کنفرانس صلح پاریس، یک دادگاه جنایی هم تشکیل دهند. برای دومین بار کوشش کردند مسببین جنایت نسل‌کشی را در جزیره مالتا محاکمه کنند که کوشش موفقی نبود. سومین کوشش توسط حکومت عثمانی که در نوامبر ۱۹۱۸ مستقر شده بود به عمل آمد. جمعا شصت‌وسه جلسه دادگاه در استانبول تشکیل شد. دویست نفر در این دادگاه‌ها محاکمه شدند، شانزده حکم اعدام صادر شد و سه نفر به دار آویخته شدند. فارغ از این که این دادگاه‌ها چه قدر بی‌طرفانه بودند، مدارک و شهادت‌هایی که در آن‌ها ارائه شدند همه مدارک مهمی هستند برای اثبات این که این جنایات نسل‌کشی هستند. در کتاب من داستان کامل این دادگاه‌ها آمده است.

یکی دیگر از اهداف کتاب نشان دادن این نکته است که نسل‌کشی ارمنه یک عمل استثنایی و مجرد نبوده است. بعد از جنگ بالکان در سال ۱۹۱۴، امپراتوری عثمانی نزدیکی شصت درصد از خاک اروپایی خود را از دست داد، و هشتادوپنج درصد جمعیت این منطقه را. بعد از این جنگ، دولت مردان عثمانی به این باور رسیدند که زندگی در کنار مسیحیان در آناتولی نشدنی است و سیاست یکپارچه‌سازی آناتولی را در پیش گرفتند. این سیاست دو هدف مهم داشت؛ یکی مسلمان‌های غیر ترک‌تبار مانند کردها، بوسنیایی‌ها، آلبانیایی‌ها و عرب‌ها بودند که در جمعیت ترک توزیع شدند تا مستحیل گردند. این‌ها در آناتولی به نحوی تقسیم شدند که هیچ جاکسر بالایی از جمعیت را تشکیل ندهند. ترکی‌سازی ترکیب جمعیتی ترکیه از سوی ناسیونالیست‌های ترک. هدف دوم این سیاست، مسیحیان بودند. این‌ها یا از آناتولی اخراج شدند، مانند یونانی‌ها، یا تبعید و کشته شدند. در سال ۱۹۱۴ کل جمعیت آناتولی حدود ۱۵ میلیون بود، یک‌چهارم این جمعیت تبعید یا کشته شدند و یا با هدف مستحیل کردن بین جمعیت ترک تقسیم شدند. نکته مهم این است که این پاک‌سازی قومی و یکپارچه‌سازی، زمینه را برای بنیان‌گذاری ترکیه امروز فراهم کرد و به این دلیل است که ما تا امروز با این جمهوری مشکل داریم.

چند کلمه‌ای هم در این باره که چرا روی این موضوع کار می‌کنم. من فکر می‌کنم این مسئولیت اخلاقی نسل جدید در ترکیه است. نسلی که خود مرتکب نسل‌کشی نشده و گناه این جنایات را بر

دوش نمی‌کشد. آن‌ها در این باره که در تاریخ چه روی داده به کلی بی‌اطلاعند. تقصیر آن‌ها هم نیست. اما به تدریج در حال آگاه شدن از واقعیت هستند. در ترکیه تغییری روی خواهد داد، حالا نمونه‌هایی از آن را برای شما ذکر می‌کنم؛ طی یک دهه گذشته، بسیاری از روشنفکران راجع به نسل‌کشی ارمنه صحبت کرده‌اند. در برنامه‌های تلویزیونی و مباحثه‌های جمعی درباره نسل‌کشی صحبت شده است. ما می‌توانیم درباره نسل‌کشی مقاله بنویسیم و در مطبوعات ترکیه چاپ کنیم. سال گذشته گروهی از روشنفکران ترک، بسیجی برای عذرخواهی به راه انداختند و سی هزار تن از ترک‌ها در یک سایت رسمی از مردم ارمنی به خاطر نسل‌کشی عذرخواهی کردند، و فکر می‌کنیم همه شنیده‌اید که بعد از ترور هراند دینک صدها هزار تن از مردم ترک به خیابان‌ها آمدند و فریاد برآوردند ما همه ارمنی هستیم، ما همه ترکیم. همین امسال در استانبول روشنفکران ترک علناً سالروز قتل عام ارمنه را گرامی داشتند و سه هزار نفر در این مراسم شرکت کردند. البته نمی‌خواهم شما را متقاعد کنم که در ترکیه همه چیز رو به راه است و هیچ مشکلی



نیست. همین‌طور نمی‌خواهم امید واهی به شما بدهم. دلایل بسیاری وجود دارد که همچنان بدبین باشیم. فقط می‌خواهم بگویم چیزی شروع به تغییر کرده است؛ خیلی آرام و بطئی. اما ما در ابتدای راهیم و هنوز فرسنگ‌ها پیش رو داریم. نسل من می‌داند که به رسمیت شناختن قتل عام ارمنه و اسپین نقطه عطف مهم در استقرار دموکراسی در ترکیه خواهد بود. ترک‌ها باید نسل‌کشی را به رسمیت بشناسند چون بدون رویکرد شرافتمندانه به جنایات گذشته، بدون عدالت، نمی‌توانیم دموکراسی واقعی در ترکیه داشته باشیم. ما هیچ آمیدی به پیشگیری جنایات

مشابه در آینده نمی‌توانیم داشته باشیم، مگر این که به جنایاتی که در گذشته مرتکب شده‌ایم اعتراف کنیم. ما ترک‌ها حتی بیش از ارمنه به این شناسایی احتیاج داریم. این مسئولیت ماست در قبال تاریخ‌مان و در قبال خودمان. من به عنوان نماینده این نسل اینجا هستم که به شما بگویم در درد و رنج شما شریکیم و از شما دعوت کنم که در یک رسالت مشترک شرکت کنید. این نه تنها مسئله ترک‌ها یا مسئله ارمنه یا مسئله ایرانی‌ها، بلکه مسئله همه بشریت است، مسئله حقوق بشر است. و همین‌طور به شما بگویم که تاریخ مشترک ما تنها مرکب از این صفحه سیاه نسل‌کشی نیست. تاریخ مشترک ما از پانصد سال همزیستی کنار هم نیز تشکیل شده است؛ همزیستی‌ای آمیخته به خاطرات خوب و بد. حتی در زمان نسل‌کشی، ترک‌ها، کردها و عرب‌هایی بودند که جان خود را به خطر افکندند تا جان ارمنه را نجات دهند. من شک ندارم که برخی از شما حاضران در این تالار هم داستان‌هایی مشابه شنیده‌اید. نکته‌ای که می‌خواهم بر آن تاکید کنم این است که ما تاریخ دیگری جز نسل‌کشی هم داریم که می‌توانیم اعتماد متقابل‌مان را بر اساس آن بنا نهیم. چند سال پیش فیلم مستندی به نام دیوار سکوت درباره من و پروفیسور دادریان ساخته شد. خیلی اتفاقی، ته فیلم در پس‌زمینه، آهنگی ترکی پخش می‌شد با این مضمون: از زمانی که ترکم کردی، هرگز نخندیدیم، ای دوست، ای دوست. گمانم این وصف حال ما ترک‌ها و ارمنه است. از وقتی ارمنه رفتند، آناتولی خیلی نخندیده است. از وقتی ارمنه رفتند، آناتولی چیزهای زیادی از دست داده است. تاریخ آناتولی تاریخ رنج و حرمان بوده است؛ رنج و حرمان شما و رنج و حرمان کردها، و بیش‌تر شما.

نام ناظم حکمت شاعر پسرآوازه ترک را شنیده‌اید. با شعری از او سخنانم را به پایان می‌برم (شعری درباره یک شهروند ارمنی و احساسش نسبت به ستم تاریخی‌ای که به او رفته است می‌خواند).

من نیز مانند ناظم حکمت عرق این شرم را بر پیشانی‌ام احساس می‌کنم، نه تنها به عنوان ترک، بلکه به عنوان یک انسان. می‌دانم نمی‌توانم آن‌چه را از دست داده‌اید به شما بازگردانم، اما می‌خواهم در غم و اندوه شما شریک باشم. نسل‌کشی ضایعه‌ای بزرگ بود، نه تنها برای ارمنه بلکه برای تمام بشریت. بنابراین نه تنها به عنوان ترک یا ارمنی، بلکه به عنوان انسان، باید با هم تلاش کنیم که چنین جنایتی علیه بشریت دیگر هرگز تکرار نشود.

## مساله ارضی از دید من خاتمه یافته است

اما و ارامنه مشخص شود. اما من معتقدم حتی جبران مادی خسارت هم بیش از هر چیز، يك موضوع اخلاقی است. احتمالاً درباره شرکت بیمه عمر نیویورک شنیده‌اید. این شرکت که میلیاردها دلار به ارامنه بابت بیمه عمرشان بدهکار است، اخیراً موافقت کرده است که دو بیست میلیون دلار خسارت به ارامنه بپردازد. این يك حرکت سمبلیک است. خسارت واقعی را هرگز نمی‌توان جبران کرد. اما باید بکوشیم فرهنگ و زندگی ارمنی را به آناتولی بازگردانیم. دادن حق شهروندی ترکیه به ارامنه فکر خوبی است. بازسازی کلیساها و سایر ابنیه فرهنگی ارامنه در آناتولی کار دیگری است که می‌توان کرد.

• چه چیزی شما را ترغیب کرد به تحقیق درباره این موضوع بپردازید. دلیل خاصی در میان بود؟

اتفاقی بود. من هم مانند بسیار از روشنفکران معمولی ترکیه حتی نمی‌دانستم در ترکیه ارمنی‌هایی زندگی می‌کنند. در هامبورگ در يك موسسه تحقیقاتی کار می‌کردم. موضوع تحقیق من تاریخ شکنجه و خشونت در امپراتوری عثمانی بود. در حین این تحقیق نخستین بار با کشتارهای ارامنه در زمان عبدالحمید آشنا شدم. در همین زمان زنی آلمانی در کتابخانه‌مان کار می‌کرد. مادر او ارمنی بود اما خودش کاملاً در آلمان مستحیل شده و آلمانی بود. او به من گفت تا نر تو باید روی این موضوع کار کنی، این موضوع خیلی مهم است. و من مانند بسیاری از ترک‌ها می‌گفتم ولش کن، موضوع خیلی پیچیده است، همه همدیگر را می‌کشتند. بگذار زیاد واردش نشویم.



ساده‌ترین آن‌ها عذرخواهی است، عذرخواهی از مردم ارمنی بابت جنایتی که رخ داده است. دومین گام، جبران خسارت ارامنه ساکن آن مناطق است. راه‌های گوناگون برای جبران يك خسارت تاریخی وجود دارد؛ از دادن مقداری پول به عنوان خسارت مالی تا برنامه‌های اجتماعی گوناگون. این موضوع باید از طریق يك گفت‌وگوی عمومی بین ترک‌ها

• کوشش شما برای بیان حقایق تاریخی قابل تحسین است، لیکن نظر شما درباره جبران خسارت چیست؟  
نخستین گام این است که دولت ترکیه رسماً بپذیرد آنچه در سال ۱۹۱۵ رخ داد جنایت بود. این مهم‌ترین بخش جبران ضایعه است. برای جبران يك بی‌عدالتی تاریخی راه‌های گوناگون وجود دارد.

حالا به شما بگویم که ما در ترکیه راجع به ارمنی‌ها و ماجراهای سال ۱۹۱۵ چه‌طور فکر می‌کنیم: ما ترک‌ها دولت/ ملت خودمان را در مبارزه با قدرت‌های امپریالیستی ساختیم. این نیروهای امپریالیستی می‌خواستند امپراتوری عثمانی را از هم فرو بپاشند و مسیحیان داخل امپراتوری با آن‌ها همکاری می‌کردند. این وسط کشتارهای متقابلی هم اتفاق افتاده که ما نمی‌خواهیم زیاد واردش بشویم. من پیشنهاد کار روی محاکمه‌های سران حزب اتحاد و ترقی در استانبول را به این موسسه دادم و آن‌ها قبول کردند ...

#### • دلایل نسل‌کشی چه بود؟

دلایل گوناگونی برای نسل‌کشی ارمنه وجود دارد. اگر بخواهم بگویم کدام دلیل مهم‌تر بوده، باید بگویم که دلیل سیاسی و نگرانی امنیتی دولت

### باید بکشیم فرهنگ و زندگی ارمنی را به آناتولی بازگردانیم

عثمانی اصلی‌ترین دلیل بوده است. سران کمیته اتحاد و ترقی، به دلایل مذهبی تصمیم به نسل‌کشی نگرفتند، این کار را به دلیل نژادپرستی هم نکردند. به دلایل سیاسی این کار را کردند. بیش‌تر سران اتحاد و ترقی آدم‌های مومن و مذهبی نبودند. اما آن‌ها از مذهب برای تحریک مردم استفاده می‌کردند. دبلیش موافقت‌نامه سال ۱۹۱۴ بین روسیه و امپراتوری عثمانی بود. برابر این قرارداد باید دو ایالت خودمختار در آناتولی شرقی به وجود می‌آمد و سران عثمانی این را به عنوان مقدمه تشکیل یک حکومت ارمنی تلقی کردند. با شروع جنگ جهانی نخست، اولین کاری که آن‌ها کردند فسخ این قرارداد بود. عثمانی‌ها فکر کردند اگر روسیه آناتولی را اشغال کند اصلاحات را تحمیل خواهد کرد و عثمانی این بخش از خاکش را از دست خواهد داد. این بود که فکر کردند اگر ارمنه را از آن‌جا بیرون برانند و قتل‌عام کنند دیگر با ادعای ارضی آن‌ها روبه‌رو نخواهند بود. همان‌طور که در کتابم هم آورده‌ام در سال ۱۹۲۱ یکی از نمایندگان پارلمان آشکارا اعلام کرد که ما این کار را کردیم چون می‌خواستیم سرزمین پدری‌مان را نجات دهیم.

• بسیاری از هموطنان شما کار شما را تقبیح

### ترک‌های جوان به دلایل سیاسی یا نژادی تصمیم به نسل‌کشی نگرفتند

می‌کنند.

شما ناراحت نمی‌شوید که آن‌ها شما را محکوم می‌کنند؟

بله، آدم‌های زیادی مخالف افکار من هستند، اما تعداد کنیری هم دوست من هستند. ملی‌گراهای ترک، طرز تفکر مرا دوست ندارند، اما بسیاری از روشنفکران با آن موافقت. به هر رو، مشکلی نیست، وظیفه من این است که حقیقت را بگویم.

• نظر شما درباره برگرداندن سرزمین‌های آناتولی شرقی به صاحبان اصلی آن‌ها یعنی ارمنه چیست؟

اگر شما از ترکیه می‌آیید باید هوادار حق حاکمیت کشور ترکیه باشید، در غیر این صورت نمی‌توانید برگردید. من گمان می‌کنم باید مساله ارضی را خاتمه یافته تلقی کنیم و نسل‌کشی ارمنه را یک مساله حقوق بشری بدانیم. صادقانه به شما بگویم، مساله ارضی از دید من خاتمه یافته است. به لس آنجلس رفته بودم، سال ۱۹۹۹ بود. برنامه نمایش فیلم دیوار سکوت بود. هراچ، دوست ارمنی عزیزم، آمد پیشم و گفت تانز این را ننویس. گفت می‌دانم واقع‌بینانه نیست، اما ما قارس و آرداهان را می‌خواهیم. من هم به او گفتم که این تضمینی است برای این که من بتوانم به ترکیه برگردم. من فکر می‌کنم مساله ارضی بیش‌تر یک مساله ذهنی است. بی‌پایید کاری کنیم که مرزها بی‌معنا شوند. فرانسه و آلمان سیصد سال پر سر مرز دو کشور با هم جنگیدند، اما امروز اصلاً معلوم نیست این مرز کجا هست. سراسر تاریخ عثمانی تاریخ قتل‌عام‌ها و کشتارهاست، بر سر مسائل ارضی. ما باید از نمونه آلمان و فرانسه پیروی کنیم تا مرز دیگر معنا و مفهومی نداشته باشد.

• اگر روزی مجلس و دولت ترکیه نسل‌کشی ارمنه را به رسمیت بشناسند، آیا مردم ترکیه آمادگی پذیرش آن را خواهند داشت؟

اجازه بدهید پاسخ شما را با یک لطیفه بدهم. در استانبول بودم و به خاطر موهای سفیدم فکر کردم می‌توانم با راننده تاکسی‌ام راحت صحبت کنم. پرسید چه کاره‌ام، گفتم پژوهش‌گر هستم و روی مساله نسل‌کشی ارمنه کار می‌کنم و الان هم

به آرشیو دولتی می‌روم برای همین کار. می‌دانید راننده چه گفت؟ گفت من نمی‌فهمم چرا دولت این قدر این مساله را بزرگ می‌کند و جنجال درست می‌کند، اگر این قدر سروصدا نمی‌کرد ما حاضر بودیم آن را بپذیریم. دینک هم بر همین عقیده بود. او می‌گفت اگر مرزها باز شود، ظرف یک ماه مساله حل می‌شود. در آناتولی شرقی، کردها و علوی‌ها علناً راجع به قتل‌عام ارمنه صحبت می‌کنند و داستان‌ها در این باره تعریف می‌کنند. در شهرهای بزرگ است که نسل جدید در این باره هیچ نشنیده است. به همین سبب آموزش و آگاهی، یک بخش بسیار مهم است. در مجموع من فکر می‌کنم مانع اصلی، دولت است نه مردم.

• شما در مورد آسوری‌هایی که در همین دوره قتل‌عام شدند چیزی نگفتید.

درست است، و آسوری‌ها همیشه از این بابت به حق گله‌مندند. در زمان نسل‌کشی آسوری‌ها هم قتل‌عام شدند. اما سیاست مرکز این نبود که قوم آشور را نابود کند. حتی تلگرام‌هایی بودند از استانبول که جز ارمنه به باقی مسیحیان تعرضی نشود. اما در سطح ولایتی، با وجود این دستورات، آسوری‌ها را هم مانند ارمنی‌ها می‌راندند و کشتار می‌کردند.

• نظرتان درباره گشایش مرز ارمنستان و ترکیه چیست؟ آیا گشایش مرزها به نزدیکی روابط دو ملت می‌انجامد؟

البته. فکر اصلی هم همین است. در حل مناقشات یک اصل اساسی وجود دارد و آن تغییر تصویری است که هر یک از طرفین دیگری از دیگری دارد. همه ما تصورمان از خودمان بر پایه به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و گوناگونی است، در حالی که دیگری را یکپارچه و متجانس در نظر می‌گیریم. وقتی یک ترک از ارمنی‌ها صحبت می‌کند منظورش فرد ارمنی واقعی که روبه‌رویش نشسته نیست، بلکه کسانی است که در سال ۱۹۱۵ در امپراتوری عثمانی مرتکب خیانت شدند. و وقتی یک ارمنی درباره ترک‌ها صحبت می‌کند، فقط از کسی صحبت می‌کند که پدرانش را قتل‌عام کرده است. مهم‌ترین کار این است که تصور ترک‌ها درباره ارمنه و تصور ارمنه درباره ترک‌ها را تغییر دهیم. آن‌ها باید همدیگر را بشناسند و بدانند که مسائل مشترکی دارند. هر دوشان کار و زندگی می‌کنند، بچه‌هاشان را به مدرسه می‌فرستند، می‌خواهند در صلح زندگی کنند، فرقی میان آن‌ها وجود ندارد. یک مثل ترکی می‌گوید: جانورها با هم گلاویز می‌شوند، آدم‌ها با هم گفت‌وگو می‌کنند. بیایید ما هم با هم گفت‌وگو کنیم.



## خیلی دشوار است که بر تمام تحولات سیاسی قفقاز تاثیرگذار باشیم

تلخیص و ترجمه: تورج خسروی

\* کارشناس ارشد تاریخ، مترجم و پژوهشگر «بنیاد مطالعات قفقاز»

می‌آید. دلیلش آن است که ما فعالانه در جهت مسایل اصلی و جزئیات ملی آذربایجان کار و مطالعه می‌کنیم. سعی می‌کنیم برای طبقات سیاسی لژگی‌ها، تالش‌ها و آوارها مفید باشیم به خاطر این که صدای آن‌ها نه تنها در کشورمان بلکه در قفقاز شنیده شود. آذربایجان نسبت به اقلیت‌های ملی رفتار منفی و سنتی و احساس خطر دارد، و همیشه تلاش می‌کند موقع معرفی مقاله‌های میتک وانمود کند این مقاله‌ها با واقعیت مطابقت ندارند. اما آن‌ها موفق نمی‌شوند. دیگر نزد محافل سیاسی اقلیت‌های ملی، بیداری ملی دیده می‌شود. غیرممکن است آذربایجان پنهان کند که در هراس و دستپاچگی افتاده است. آن‌ها اعلام می‌کنند که مساله فوق‌الذکر نتیجه توطئه ارمنیان است. اما باید گفت اگر چند جوان می‌توانند چنین توطئه‌ای علیه آذربایجان اجرا کنند پس این حکومت نه تنها ثابت ندارد بلکه انستیتوهای آن حکومت هم نمی‌توانند به خوبی کار کنند.

• به نظر شما چه قدر احتمال دارد جنگ روسیه و گرجستان يك بار دیگر و حتی خیلی نیرومندتر از سال گذشته تکرار شود؟

محافل دیپلماسی و تحلیلی روسیه از آگوست سال گذشته متفقاً تذکر می‌دادند که ساکاشویلی رفتنی است. يك سال گذشته و تقریباً هیچ چیزی تغییر نکرده است. برای مثال، سه هفته پیش دیمیتری مدودف اعلام کرد روسیه آماده است با گرجستان گفت‌وگوی سیاسی انجام دهد اما نه با ساکاشویلی. از طرفی دیگر تقریباً حدود يك سال بود که اوضاع در آبخازیا و اوستیای جنوبی آرام بود اما اخیراً در آن نواحی توطئه‌چینی‌ها و حوادث متفرقه دیگر شروع شده است، که هم از طرف روسیه و هم از طرف گرجستان تحریک می‌شود.

از طرفی روسیه به طور قطعی به هدف خود نرسیده است و گرجستان تشدید وضعیت ضد

ادامه مطلب در صفحه ۱۳ ...



دارد؟

مدت‌زمانی طولانی گرایش منفی و حس بی‌تفاوتی نسبت به ما وجود داشت. بیش‌تر مردم معتقد هستند که فرد مشغول به فعالیت ملی نمی‌تواند وجود داشته باشد. فکر می‌کنند تمام این فعالیت‌ها نمایش سیاسی است و سرپوشی برای هدف‌های دیگر.

زمانی که فهمیدند و متقاعد شدند که سازمان از جوانانی دلسوز و دارای تفکرات ملی تشکیل شده است و موضع ما بعد از قراباغ، جاواخک است (تقریباً تنها منطقه ارمنی‌نشین سرزمین تاریخی‌مان و مهم‌ترین حلقه ارتباطی با دنیای خارج برای کشورمان)، به این نتیجه رسیدند که ما نه تنها می‌توانیم، بلکه موظف هستیم به این مسایل مشغول باشیم. همچنین مطمئن شدند هیچ‌کس مسایل کشورمان را به جای ما حل نخواهد کرد و ما مجبور هستیم آن کاری را که پدران‌مان شروع کرده‌اند، ادامه بدهیم.

• اخیراً خبرگزاری آذربایجان به طور خیلی فعال مصاحبه‌های شما را منعکس کرده است. دلیل آن چیست؟

سه سال است عملاً هر هفته خبرگزاری آذربایجان راجع به تحلیل‌های مرکز ما به صحنه

یکی از مراکز که در حوزه قفقاز جنوبی به مطالعه و تحلیل مسایل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد مرکز پژوهشی «میتک» (اندیشه) است که تاکید خاصی بر وقایع سیاسی و چالش‌های فراروی ارمنیان و ارمنستان دارد. در این نوشتار با نظرات رییس مرکز یاد شده آشنا می‌شویم.

• چرا «میتک» تا این اواخر در نوعی بایکوت خبری بوده است؟ آیا این از نبودن آگاهی بوده یا نتیجه سیاستی عمدی؟

هر دو. اغلب از استفاده کردن از تحلیل‌های ما اجتناب می‌ورزند. نمونه بارز در مساله جاواخک است (یا آخال کلک، منطقه‌ای ارمنی‌نشین در گرجستان که مردمش بنا به گفته خودشان مورد تبعیض زبانی، اجتماعی و دینی هستند). بعضی‌ها فکر می‌کنند مرکز ما با مطرح کردن این مسایل سعی می‌کند وضعیت را حاد کند درحالی که بعد از ملاقات ساکاشویلی برای همه مشخص شد که مساله موقعی که نادیده گرفته شود، حاد می‌شود.

• فشار خاصی نسبت به مطرح کنندگان مساله جاواخک وجود دارد؟

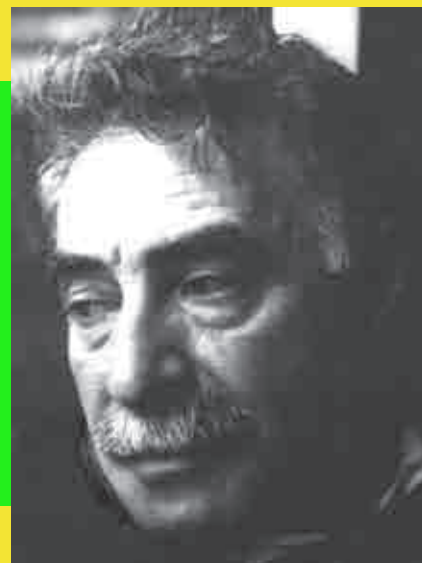
بر روی ما آن قدر فشار نبوده است. نیروها و دستگاه‌هایی بوده‌اند که آشکارا سعی می‌کنند اهداف مورد نظر ما را بفهمند و ما هم سعی می‌کنیم هدف آن‌ها را بفهمیم. با فهمیدن هدف‌های متقابل، تضادها حل می‌شوند و مساله فشارهای آینده وجود نخواهد داشت.

متأسفانه در کشور ما تیپ‌های متحجر اجتماعی هستند که با محافظه‌کاری، خود را در فعالیت‌های ساختاری وارد می‌کنند و ما مجبور هستیم به همه شرح بدهیم که به جز حل مسایل ملی هدفی نداریم.

• شما از طرف حکومت کمک دریافت می‌کنید یا نسبت به شما رفتاری منفی و بی‌تفاوت وجود

هنر معاصر ارمنستان

## هراچیا گالستانیان



گالستانیان متولد ۱۹۴۸ ایروان است. او را امروزه نه تنها به‌عنوان یک نقاش بلکه به‌عنوان سفالگر، مرمت‌کننده آثار هنری و استاد دانشگاه می‌شناسند.

وی تحصیلات هنری خود را در سال‌های ۶۸-۱۹۶۴ در مدرسه هنری پ. ترلمزیان آغاز کرده و سپس در سال‌های ۷۳-۶۸ در دانشکده هنرهای زیبا و تئاتر ادامه تحصیل داده است. در سال ۱۹۷۹ موفق به دریافت جایزه بهترین مجسمه سال شد و از سال ۱۹۸۳ به عضویت انجمن نقاشان ارمنی در آمد. با شروع جنگ قراباغ از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲ در نبرد شرکت کرد و مجروح شد. پس از آن از سال ۱۹۹۹ به عنوان استاد سفالگری در دانشگاه آغاز به تدریس کرد و با سمت سرپرست آزمایشگاه سفالگری مشغول به کار بوده است.

وی به مرمت آثار هنری علاقه خاص داشت و به احیای آثار بسیاری همت گماشت، مرمت بام کلیسای کارمراوا (قرن پنجم) در آشتاراک از

کارهای اوست. از کارهای بسیار ارزنده وی باید به این موارد اشاره کرد: سردر سرامیکی مرکز دندانپزشکی «آرمینیا» در ایروان و مجسمه‌هایی منحصر به فرد از سنگ نمک در سالن کارخانه نمک ایروان.

در سال ۱۹۷۹ وی نمایشگاه شخصی خود را در انجمن معماران لیتوانی بر پا کرد. در نمایشگاه‌های گروهی متعددی نیز شرکت کرده که از بین آن‌ها به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم: نمایشگاه ۱۹۷۷ ایروان، نمایشگاه در موزه مردم‌شناسی ساردارآباد ۱۹۸۷، نمایشگاه ۱۹۹۱ ایروان، نمایشگاه سفالگری ارمنی در ایروان ۱۹۹۵، نمایشگاه بهاره در ایروان ۲۰۰۰ و همه نمایشگاه‌های انجمن نقاشان ارمنی در این سال‌ها. آثار او در موزه‌ها و مجموعه‌های بسیاری نگهداری می‌شود که از آن جمله است گنجینه «هنرهای زیبای لیتوانی»، گنجینه «هنرهای زیبای ارمنستان»، «موزه مردم‌شناسی ساردارآباد»، مجموعه «مرکز نگهداری دریاچه سوان» در ارمنستان، «موزه انقلاب ایروان»، و مجموعه‌های شخصی بسیاری در بلغارستان، جمهوری چک، آلمان و فرانسه.







رزمی هارطونیان متولد تبریز و بزرگ شده تهران است. او در تهران زبان و ادبیات انگلیسی خواند، بعد در رشته هنرهای زیبا مدرک فوق لیسانس گرفت و سرانجام در دانشگاه سوربن پاریس، جامعه‌شناسی آموخت. رزمی هارطونیان در سال ۱۳۶۳ به آمریکا مهاجرت کرد و در لس آنجلس مقیم شد. کتاب *آروسیاک، بازمانده خوی* خاطرات مادر بزرگ اوست از روزهای تلخی که آذربایجان میدان تاخت و تاز نیروهای عثمانی بود. کتاب به انگلیسی نوشته شده و توسط زهره باوندی به فارسی برگردانده شده است. ترجمه فارسی کتاب توسط نشر افکار روانه بازار شده است.

آن چه می‌خوانید بخشی از مقدمه کتاب به قلم علی اصغر سعیدی است که زمینه تاریخی رویدادها را مورد بحث قرار می‌دهد.

## آروسیاک بازمانده خوی

تعداد کثیری از آرامنه و جیلوهای آن سوی مرز را که از وحشت حکومت عثمانی به ایران گریخته‌اند، برای مقابله با هجوم قشون عثمانی مسلح می‌کند. و با کمک‌های مالی و تسلیحاتی که در اختیار سران فریب‌خورده آنان مانند مارشیمون و اسماعیل آقا سیمیتقو گذاشته به تشکیل گروه‌های غارت‌گر و چریکی از قبیل قوای مسلح اقدام می‌کند و آنان را به جان مردم می‌اندازد تا به مقاصد سیاسی و نظامی خود نایل آید. در این میان کشته شدن مارشیمون و تعدادی از آسوریان به دست اسماعیل آقا سیمیتقو، خشم آسوریان را برانگیخته و به کشتار در سلماس و ارومیه دست می‌زنند.

از سویی دیگر، آندرانیک نامی که از آرامنه قفقاز و سرداری دلاور است، در راس نیرویی مجهز و جنگ آزموده پس از فروپاشی رژیم سلطنتی تزار روسیه برای تحکیم پایه‌های جمهوری تازه تاسیس ارمنستان و به قصد تسخیر و استفاده از قلعه استراتژیک خوی و ایجاد پایگاهی در برابر هجوم قوای عثمانی، به سوی خوی حرکت می‌کند. رسیدن این خبر نگران‌کننده به گوش اهالی خوی همه شهر را غرق در وحشت و تشویش می‌کند. رجال و سران مجرب خوی، پس از مدتی شور و مصلحت‌اندیشی و با یادآوری وقایع خون‌باری که

فقیرانه شهر را غارت کنند.» مدتی بعد، در سال ۱۹۱۴ (۱۲۹۳ خورشیدی) جنگ جهانی اول آغاز می‌شود و با وجود اعلام بی‌طرفی از سوی حکومت ایران، شعله‌های آن به شهرهای کشور ما هم کشیده می‌شود. در گیرودار این جنگ میان نیروهای روس و عثمانی، شهرهای آذربایجان به میدان تاخت و تاز قوای مهاجم میدل می‌شود و مردمان آن سامان، صدمات جانی و مالی فراوان می‌بینند. استاد محقق کاوه بیات می‌نویسد: «موقعیت جغرافیایی آذربایجان در مقام حد فاصل دو حوزه متلاطم قفقاز روس و حدود شرقی عثمانی از یک سو، و تنوع قومی و فرهنگی مردمانش از سویی دیگر، زمینه را برای حوادثی مهیب فراهم ساخت... امواج جنگ و آوارگی ناشی از آن اقوامی چون جیلوهای حکاری و آرامنه عثمانی... را نیز به این سامان سوق داد که بر پیچیدگی‌های موجود افزود.»

ولی، پیش از پایان جنگ، انقلاب بلشویکی در روسیه پیروز شده و نیروهای روس مجبور به عقب‌نشینی می‌گردند. اما دولت انگلیس که حریصانه در کمین نشسته، برای پر کردن جای خالی روس‌ها، مسیحیان ارومیه و سلماس و بخشی از کردهای ساکن مرز ایران و عثمانی و نیز

کتابی که پیش رو دارید سرگذشت پرفراز و نشیب یکی از صدها هم‌میهن ارمنی تبار ماست که از بد حادثه در وقایع مصیبت‌بار سال ۱۲۹۷ خورشیدی، در شهرستان خوی گرفتار آمده بودند. دهه‌های نخستین قرن بیستم از ادوار تاریک و غم‌بار تاریخ کشور ماست. در این سال‌ها بخشی از خاک ایران -به‌ویژه شهرهای آذربایجان بارها لگدکوب سپاهیان روس و عثمانی شده و ساکنان بی‌گناه و بی‌دفاع آن، قربانی مطامع غرض‌آلود و تعصبات خشک نیروهای مهاجم قرار گرفتند و از این رهگذر لطمات جبران‌ناپذیری بر آنان وارد شد.

اولین دهه قرن، مصادف با دوران استبداد صغیر است. در آن روزها وقتی محمد علی شاه قاجار، همراه با اطرافیان خودکامه، فاسد و فرصت‌طلب خویش فارغ از خطراتی که استقلال و امنیت ملت را به شدت تهدید می‌کرد، با خوش‌خیالی قهوه ختم نهضت مشروطیت را می‌نوشید، نیروهای روس به بهانه‌های واهی وارد آذربایجان شده و آن‌گونه که بازیل نیکیتین، آخرین کنسول روسیه تزاری در ایران در کتاب خود نوشته است:

«تنها در ارومیه، هشتاد هزار سرباز روس بود که خوب می‌خوردند و استراحت می‌کردند و کار آنان منحصر به این بود که در سه نوبت بازارهای



همزیستی مسالمت‌آمیز، با رعایت حق همسایگی توام با صفا و صمیمیت، در آن روزهای پر خطر بسیاری از ارمنه همشهری خود را در خانه‌های خود پناه داده و از بذل هیچ کمکی به آنان دریغ نوززیده و از رهگذر این حوادث تلخ خود نیز کمتر از آنان آسیب ندیده‌اند.

ناگفته نباید گذاشت که سکونت ارمنه در سرزمین ایران به‌ویژه در شهرهای آذربایجان سابقه‌ای بس طولانی دارد. جهانگردان و سفیرانی که از دیرباز از کشورهای اروپایی به ایران آمده و از شهر خوی گذشته‌اند، عموماً در آثار و سفرنامه‌های خود، ضمن اشاره به سرسبزی و طبیعت زیبای این منطقه و موقعیت ممتاز و با اهمیت برج و باروی شهر، از کثرت ساکنان ارمنی در این منطقه سخن گفته و خلق و خوی ملایم و مسالمت‌آمیز اهالی را در قبال آنان و هر بیگانه‌ای که گذارش به این شهر می‌افتد بسی ستوده‌اند. اوژن اوبن، وزیر مختار فرانسه در دربار ایران، در بازدیدی که در سال ۱۹۰۷ (۱۲۸۵ خورشیدی) از خوی کرده، ضمن تاکید بر دینداری اهالی این شهر، در سفرنامه خود نوشته است در حدود صد و ده خانوار ارمنی، در خوی ساکن‌اند که در طول سالیان دراز در کنار همشهریان مسلمان خود، در کمال صلح و صفا زندگی می‌کنند و مراسم مذهبی خود را نیز در کلیسای قدیمی شهر برگزار می‌نمایند.

آروسیاک بازمانده خوی

نویسنده: رزمی هارطونیان

مترجم: زهره باوندی

ناشر: شرکت نشر نقد افکار

محل نشر: تهران

سال نشر: ۱۳۸۷

بها: ۳۵۰۰ تومان



عقب‌نشینی آندرانیک، کارد جلادی به دست عسکرهای عثمانی می‌افتد و به بهانه پاک‌سازی شهر از عوامل دشمن، هر جا دست‌شان به ارمنه و یا حامیان ایشان می‌رسد، از اعمال هیچ جنایتی روگردان نیستند. تاسف‌انگیزتر این که، در افواه بعضی از مردم ناآگاه این رویداد ناگوار تاریخی که جنگ عثمانی‌ها با ارمنه رانده شده از عثمانی و قشون آندرانیک بود، با عنوان دعوای ارمنی و مسلمان قلمداد شده و گاهی نیز گناه آن را به پای مردم همیشه مسالمت‌جوی خوی گذاشته‌اند. در حالی که ساکنان مسلمان خوی به پاس سال‌ها

بر ساکنان بی‌گناه و آرامش‌طلب ارومیه و سلماس گذشته است، به این نتیجه می‌رسند که باید با تمام نیرو و توان و تا آخرین نفس در برابر هر تهاجمی ایستادگی کنند. در اجرای این تصمیم، خرد و بزرگ در پناه برج و باروی شکست‌ناپذیر خوی از شهر و شرف خود دفاع می‌کنند. پس از سه روز مقاومت دلیرانه نیروی عثمانی نیز از جانب سلماس به بهانه کمک به سمت خوی می‌شتابد. سرانجام نیروی آندرانیک با تحمل تلفات سنگین از راه جلفا مجبور به عقب‌نشینی به آن سوی ارس می‌شود. اما جای بسی تاسف است که پس از

به سراغ من اگر می‌آیید...  
... به این آدرس بیایید

<http://farsi.hooy.com>

روسی را ادامه می‌دهد. به خاطر این مساله، آمریکا بعد از جنگ آگوست سعی می‌کند سیاستش را فعال سازد و گرجستان را به پایگاه سیاسی خود تبدیل کند. از طرفی دیگر ساکاشویلی نمی‌تواند از آبخازیا و اوستیا بگذرد. زیرا وی به حکومت رسیده است که این سرزمین‌ها را برگرداند.

هیات دولت ساکاشویلی به هر طریقی سعی می‌کند جامعه بین‌الملل را قانع کند که گرجستان مقابل با روسیه را ادامه می‌دهد، آن کشور سعی می‌کند اقلاً از طریق نظامی یا کمک بین‌المللی تا حدودی مساله اوستیای جنوبی را حل کند. به همین خاطر حفظ تنش هم برای روسیه و هم برای گرجستان سودمند است که اساس حقوقی و سیاسی جنگ آینده را به وجود می‌آورد.

• یعنی این جنگ هم برای گرجستان و هم برای روسیه سودمند است و در عین حال اجتناب‌ناپذیر؟

صحبت کردن از جنگ در سال جاری بی‌معناست. امسال دوران شکل‌گیری خاصی است که در طول آن رشد تدریجی تنش‌ها اتفاق می‌افتد. اکنون روسیه با آذربایجانی‌های گرجستان خیلی فعالانه کار می‌کند و باکو هم در همین راستا شکل مشارکت خود را از قبل پیدا کرده است و دائم همراه با روسیه به طور هماهنگ کار می‌کند. سال دیگر احتمال برخوردها بیشتر می‌شود.

باید اشاره کنم که در ابتدا پیشنهاد فدرالیزه کردن گرجستان از طرف روسیه نبوده است بلکه از طرف آذربایجان و آنکارا بوده است. سکوت آن‌ها نسبت به عملیات آگوست سال گذشته باعث مطرح شدن فدرالیزم شد. چیزی که گرجستان آن را غیر قابل تحمل به حساب آورد. امروز ترکیه و آذربایجان کار سیاسی و برنامه‌های سرمایه‌گذاری اقتصادی جدی را در بورچالو انجام می‌دهند.

• این روند که از طرف روسیه تشویق می‌شود نمی‌تواند برای مسکو تبدیل به توطئه پان‌ترکیسم شود؟

روسیه نسبت به گرجستان از اولویت کوتاه‌مدت و بلندمدت استفاده می‌کند. از نظر اولویت بلندمدت، به اندازه کافی خطرناک است. اما امروز حضور نظامی ناتو در گرجستان و مرزهای قفقاز شمالی برای روسیه خیلی خطرناک‌تر است. پنهان نیست که غرب از طریق گرجستان در اینگوش، جنوب داغستان و کاباردینا - بالکار فعالیت می‌کند. بنیادگرایی اسلامی با محور غرب -

گرجستان - ترکیه، روابط نزدیک دارد و برای روسیه در کوتاه‌مدت فوق‌العاده مهم است که گرجستان را از این بازی در آورد.

• در این روزها آشکار شد که در محافل (CSTO)، سازمان قرارداد امنیت دسته‌جمعی، برنامه‌ای برای تاسیس پایگاه نظامی ارمنستان در شهر داگو میس گراسنودار و داغستان وجود دارد. آیا این مساله به روسیه ارتباط دارد؟

بدون شک مرتبط است اما آن قدر هم برای تقویت نفوذ سیاسی ارمنستان نتیجه‌بخش نیست. اگر ما برمی‌نای مساله قراباغ، که ارمنستان در آن جا به عنوان حامی مردم تحت فشار شهرت دارد حرکت کنیم، ارمنستان باید با سیاست خیلی منعطف نسبت به آبخازیا و اوستیای جنوبی رفتار کند.

آبخازی‌ها و اوستی‌ها ارمنستان را به عنوان حکومتی مبارز برای عدالت قبول دارند و همچنین از لحاظ باورهای تاریخی ارمنستان برای آن‌ها قابل پذیرش است و حتی بیش‌تر از روسیه. آنان واقعا مجبورند با روسیه این قدر نزدیک کار کنند. همچنین شرایطی حاکم است که آبخازی‌ها به کار کردن با ترکیه تمایل دارند و اوستی‌ها به کار کردن با ایران. به خاطر این که نقش‌آفرینی سیاسی‌شان یک‌جانبه نباشد و ارمنستان می‌توانست به شکلی شفاف در این مسایل وارد شود و تبدیل به مطرح‌کننده صدای اقلیت‌های نژادی قفقاز شود، ولی نشد.

• آیا این به جنگ ارمنستان - گرجستان منجر نخواهد شد؟

جنگ تنها عملیات نظامی نیست، احتمالاً عملیات نظامی انجام نمی‌شود برای این که حکومت گرجستان این توانایی را ندارد، اما جنگ رسانه‌ای و جنگ اجتماعی در روابط ارمنی - گرجی وجود دارد. ناسازگاری تمدن‌ها شکل می‌گیرد و به زودی مستند می‌شود.

عواملی وجود دارد که ظاهر جنگ را دارد و نباید آن قدر از آن ترسید. اما امروز این تفکر وجود دارد که باید از هر لحاظ از گرجستان عقب‌نشینی کنیم به خاطر این که راه‌های ارتباطی مورد تهدید قرار نگیرند. گرجستان این مشکل ما را می‌داند و از آن بهره‌برداری می‌کند و نه تنها اقدامات جدی نسبت به ارمنیان جاواخک، بلکه نسبت به ارمنستان انجام می‌دهد. نمونه آن افزایش حق گمرگ و مشکل شدن عبور و مرور مرزی است. اما اگر مطبوعات گرجستان را مطالعه کنیم ارمنستان را به عنوان حکومت دشمن قلمداد می‌کنند. ما نباید

خودمان را گول بزنیم.

مساله دیگر این است که ارمنستان باید به اقداماتی برای خنثی کردن فعالیت ترکیه نسبت به قراباغ، آبخاریا و اوستیا دست بزند. این مساله می‌توانست از طریق مذاکرات و با تدبیر صورت بگیرد [اما صورت نگرفت]. در ضمن ارمنستان می‌تواند مساله قبرس شمالی را نیز در نظر بگیرد. البته ترکیه و ارمنستان با هم تضاد دارند اما در مورد مسائلی هم ممکن است منافع این دو کشور در آتیه با هم مطابقت داشته باشد و استفاده از این مسایل باعث می‌شود که ترکیه در قفقاز دخالت نکند.

• ایران چه نقشی در اوستیای جنوبی داشته است؟

ایران تا وقایع آگوست سعی می‌کرد نقش آشتی‌دهنده را در اوستیای جنوبی ایفا کند و اقدامات فعالی را در این راستا انجام دهد. به همین خاطر برای تحکیم روابط فرهنگی، گفت‌وگو و مذاکرات شفاهی انجام داده بود. اوستی‌ها از نژاد آن‌ها هستند و از خویشاوندان مردم ایران محسوب می‌شوند، و مایل به همکاری با دولتی هستند که منافعتش با روسیه برخورد نمی‌کند و این به آن‌ها اجازه می‌دهد که خیلی منعطف باشند.

• شما در آخرین مصاحبه‌تان تاکید کرده بودید که جنگ رسانه‌ای علیه ارمنستان در مراحل اولیه خود است. آیا از طرف حکومت اقدامی می‌بینید؟ یا نسبت به این مساله بی‌تفاوت هستند؟

از طرف حکومت اقدامی نمی‌شود و نبود این اقدامات خیلی هم خطرناک است. ارمنستان باید در مورد مساله قراباغ تبلیغاتی فعال در منطقه انجام می‌داد، چیزی که حالا هم انجام نمی‌دهد. ارمنستان باید در قفقاز شمالی و همچنین در میان جماعات آذربایجانی تبلیغات جدی انجام دهد، اما امروز برعکس است؛ اخبار قراباغ به زبان ارمنی از رادیو آذربایجان پخش می‌شود.

درست است که تبلیغات آن‌ها در کوتاه‌مدت بر روی قراباغ تاثیر نمی‌گذارد اما در بلندمدت تاثیر می‌گذارد. همچنین باید مراتب زیر را نیز در نظر بگیریم. امروز امید اصلی کشور ما روسیه است اما به هر حال باید در نظر بگیریم که سرنوشت امپراتوری‌ها متغیر است در حالی که مردم ثابت هستند و این مردم در شرایط متفاوت می‌توانند متحدینی قدرتمند باشند. اگر امروز این مردمان حکومت ندارند اما عامل مذهبی - نژادی آنان می‌تواند تحقق منافع کشورمان را فراهم کند. به عبارتی دیگر باید به جای تاکید بر حکومت‌ها بیش‌تر به مردم تکیه کنیم.